حاکمیت ایران دارد، با تمام ظرفیت از اســتقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و امنیت ملــی ایران دفاع می‌کند و از حاکمیت هم می‌خواهــد که زمینــه عبور از شــرایط بحرانی کنونــی را از طریق بهره‌گیری از همبســتگی ملی، حضور فعــال و مبتکرانه در عرصه سیاست خارجی و به‌کارگیریِ منطق گفت‌وگو برای صلح فراهم کند.

شــما در سخنان‌تان به آگاهی و روحیه وحدت ملی مردم ایران در این روزها اشاره کردید؛ تحلیل‌تان از این ویژگی مردم با توجه به همه آن نقدها که مطرح کردید چیست؟

همبستگی ملی ایرانیان، یک بار دیگر «ایران» را نجات داد. اما نباید با این موضوع، شــعاری و هیجان‌زده و مطلق‌گرایانه برخورد کنیم. باید واقعیت را یک بار دیگر مرور کرد. جنگ شــد، اســرائیل حمله تجاوزکارانــه کرد و بخش مهمی از جامعه مدنی ایران، چه در داخل و چه در خارج، مدافع کشور در مخالفت با آمریکا و اسرائیل، اعلام موضع کردند. امــا نادیده نباید گرفت که ایــن جامعه مدنی آنقدر بی‌رمق و ضعیف نگه داشته شده که صدای بلندی ندارد که به گوش افکار عمومی جهان برساند. مجموعه جامعه مدنی ما از حق داشتن یک رســانه فراگیر ملی محروم اســت. حتی یــک کانال تلویزیونی و رادیویــی هم در اختیارش نیســت. در چنین شــرایطی که ده‌ها ســال ادامه داشته، طبیعی است که بلندگوی اینترنشنال و جریان برانداز وابســته به آن، بلندتر باشــد و بتوانند خــود را نماینده مردم ایران بنمایانند و در نهایت، مانع از شنیده شدن صدای حق‌گرایانه و میهن‌دوســتانه جامعه مدنی ایران در ســطح جهان شــوند. باید اقرار کرد که تراز همبستگی ملی نسبت به آغاز جنگ هشت‌ساله، نموداری نزولی را تصویر می‌کند اما در نهایت همچنان در سطحی است که مانع از تحقق اهداف اسرائیل و آمریکا شد.

از جمله موضوعاتی که همیشــه بخــش عمده منتقدان حکومت به‌ویژه در داخل کشور به آن پرداخته‌اند و خواهان آن شده‌اند، تحقق دموکراسی است؛ شما هم از حق تعیین سرنوشت برای مردم در حفظ کشور سخن گفتید. به عنوان تحلیلگر چه نســبتی میان دموکراســی و امنیت ملی قائل هستید؟

دموکراسی فقط یک مطالبه سیاسی نیســت که از آزادی و عدالت اجتماعی حرف بزند. دموکراسی، یک الگوی نظارت مدنی است. در غیاب چنین الگویی، فســاد و نفوذ و دیگر بلایا حاکم می‌شــود و ســرمایه اجتماعی و امید و اعتماد ســقوط می‌کند. دموکراســی و مطبوعات و احزاب مســتقل مانع می‌شــوند که فرد یا جریانی از طریق مجیزگویی و چاپلوسی وارد ساختار قدرت شود، منابع مالی و اقتصــادی را چپاول کند و بر منابع اطلاعاتی و امنیتی مســتقر شود. دموکراسی، فساد و بی‌عدالتی را چه در عرصه سیاست و چه در عرصه اقتصاد افشــا می‌کند. دموکراســی یعنی حق حاکمیت ملت. حاکمیت ملی (استقلال و حق حاکمیت سرزمینی) در ادامه حاکمیت ملت محقق می‌شود و بدون آن، قابل دستیابی نیست.

دموکراســی، اســاس دکترین امنیت ملی پایدار و ابــزار دفاع از امنیت ملی و نیل به توسعه است. تجربه بشری گواهی می‌دهد که به تعبیر زنده‌یاد مهندس بازرگان، همواره «دست استعمار بیگانه از آستین استبداد داخلی» سر بیرون آورده است. تردیدی نباید داشت که اگر شاخص‌های دموکراتیک در ایران حاکم باشد، دشمن فرصت پیدا نمی‌کند که در بالاترین ســطوح قدرت نفوذ کند و عالی‌ترین فرماندهان نظامی کشور را ظرف چند دقیقه مورد اصابت قرار دهد.

طی روزهای جنگ در همان تقسیمی که گفتید، افرادی که به دنبال ادامه جنگ بودند بر این موضع تاکید داشتند که از بستر جنگ به آزادی و دموکراسی می‌رسیم. تحلیل‌تان از ایــن نــگاه و نظریــه حصول دموکراســی از بســتر جنگ چیست؟

همان‌گونه که امنیت ملی و اســتقلال بدون دموکراســی به دست نمی‌آید، دموکراســی نیــز در غیاب حــق حاکمیت ملــی و بدون برخورداری از امنیت ملی و اســتقلال کشور، قابل حصول نیست.

در این چند روزه، شاهد بودیم که حتی منتقدانی که به اتهام اصلاح‌گری و مبارزات علنی و قانونی، سال‌ها رنج زندان کشیدند و تحت شدیدترین فشارهای امنیتی قرار داشتند، متحد و استوار در دفاع از حاکمیت ملی و امنیت کشورشان اعلام کردند. این سرمایه را باید قدر دانست

این نگرش راهبردی که متاثر از دکترین مصدق در روند توسعه ایران است، در اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی تبلور یافته است: نه به بهانه اســتقلال می‌توان آزادی‌های اساســی و حق حاکمیت ملت را نادیده گرفت و نه با تمســک به آزادی می‌توان اســتقلال را نفی کرد یا تنزل داد. مصدق در عرصه داخلی به دموکراسی معتقد بود و در حوزه سیاست خارجی به دو اصل راهبردی «موازنه منفی» و پرهیــز از ورود به دعواهــای ابرقدرت‌های جهانــی و «بی‌طرفی مثبت» در معنای رابطه حســنه با تمام جهان و پرهیز از انزواگرایی بین‌المللی باور داشت. توأمانیِ شعارهای «استقلال، آزادی» و «نه شرقی، نه غربی»، تبلور این دیدگاه در انقلاب اسلامی بود. اما چه شــد که هم ناتو و آمریکا و دیگر مدافعان اوکراین در جنگ با روسیه در صف حمایت از اسرائیل برآمدند و هم روسیه که دشمن اوکراین اســت، از حمایت از ایران در جنگ اخیر سر باز زد؟ حلقه مفقوده تصمیم‌سازی سیاست خارجی در چهار دهه گذشته در یک کلمه خلاصه می‌شود: عدم تاثیرپذیری از خواست ملت.

بسیاری از سیاستمداران به لزوم بهره‌مندی حاکمیت از حس عمیق ایران‌دوستی ملت ایران برای ترمیم آسیب‌های داخلی گذشته تاکید داشتند و این روزها را فرصتی برای آن می‌دانند؛ نظر شما در این زمینه چیست؟

نکته مهم در شــرایط کنونی یادآوری این نکته اســت که آتش‌بس کنونی هنوز چنــدان پایدار به نظر نمی‌رســد؛ چراکه مخالفینی جــدی در داخل و خــارج از ایران دارد. هنــوز، جریانی که با یک گروه تندرو نمایندگی می‌شود و متاسفانه رادیو و تلویزیون رسمی ایــران را مدیریت می‌کند، شــعار جنگ‌خواهی و مخالفت با صلح سر می‌دهد و از ســوی دیگر، در آمریکا هم جریانی دارد که دائماً تحریک می‌کند که حملات دوباره از ســر گرفته شــوند. بنابراین، به‌رغم آتش‌بس، هنوز شرایط جنگی پابرجاست. البته این جنگ، جنگ کلاســیک نیســت و قواعد خــودش را دارد. در جنگ‌های کلاسیک با تحمیل شرایط اضطراری، جلوی یکسری آزادی‌های اساســی به طور موقت گرفته می‌شــود تا غائلــه خاتمه پیدا کند.

باید توجه داشــت که در این جنگ نابرابر و ظالمانه‌ای که اسرائیل و آمریکا و ناتو علیه ایران راه انداخته‌اند و روزبه‌روز بیشــتر نشــان می‌دهند که هدفی فراتر از مسئله هسته‌ای ایران را نشانه رفته‌اند، نیروهای نظامی ایران توانستند که تا حد خوبی، توان دفاع نظامی و موشکی خود را ثابت کنند اما توفیق اصلی‌تر جایی صورت گرفت که به‌رغم گلایه‌های انباشت‌شده‌ای که مردم از حاکمیت داشتند و به‌رغم بحران‌های گسترده اقتصادی و فرهنگی که دارند و به‌رغم مشاهدات حزن‌انگیز به‌جامانده از اعتراضات ۱۳۸۸، دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ و به‌ویژه برخورد نامناسب و امنیتی که در سال ۱۴۰۱ بروز پیدا کرد، این مردم، آگاهی نشان دادند، به پیاده نظام دشمن تبدیل نشــدند و برخلاف انتظار نتانیاهــو و ترامپ و رضا پهلوی و گروه رجوی و... شــورش راه نیانداختنــد و نظم عمومی را مختل نکردند و بلکه حتی آرامش و شــکیبایی نشــان دادند و از کشور و میهن‌شان، شرافتمندانه دفاع کردند. حالا نوبت حاکمیت است. حقوق اساســی آنان را رعایت کند. به اولویت منافع ملی ایران بها دهد. زمینه تحقق وفاق ملی راســتین و همه‌جانبه را فراهم کند و نشــان دهد که فراتر از آن چهره کاریکاتوری از «وفاق ملی» که در یک ســال گذشته در دولت پزشکیان ارائه شــد، برای وفاق ملی، موجودیت و منافع ملی ایران، جایگاهی در تراز یک نگرش بنیادین ملی قائل است. به عبارت دیگر، در شرایط کنونی، دموکراسی و به رسمیت شناختن حقوق اساسی ملت، نه‌فقط یک مطالبه ملی از ســوی مردم، بلکه یک ضرورت راهبردی در راستای تامین امنیت ملی است. حاکمیت باید این ضرورت را درک کند.

برای ســوال آخــر، چگونه بایــد این تصمیمات از ســوی حاکمیت به اجرا در آید؟

ســخن آخــر آن که در شــرایطی کــه به جهــت رشــد فزاینده ابربحران‌های ســاختاری و بروز فقر و تبعیض و فســاد، سرمایه اجتماعــی و اعتبار اخلاقی ســاختار کلان قــدرت و نهادهای حاکمیتی به شــدت آســیب دیده اســت، حاکمیت ایران باید صداقت خود را ثابت کند و صادقانه قبول کند که سرمایه و قدرت اصلی نظام جمهوری اسلامی تا این لحظه، همین آگاهی مردم و شعور اجتماعی جاری در جامعه ایران بوده است. به این مردم باید اعتماد کرد. در واقع، اعتماد به مردمی که صداقت و آگاهی و عِــرق ملی خود را در چارچوب ســرزمین ایــران همواره ثابت کرده‌اند و بهره‌گیری از همبســتگی و مشارکت ملی، مهم‌ترین ظرفیت دفاعی کشور است. ترکیب «همبستگی ملی» و «توان دفاع نظامی» و برخورداری از موشک و ادوات جنگی پیشرفته، یعنی معجزه. یعنی تحقق امید. یعنی ظرفیت تبدیل شکست به پیروزی. در این چند روزه، شاهد بودیم که حتی منتقدانی که به اتهام اصلاح‌گری و مبارزات علنی و قانونی، ســال‌ها رنج زندان کشــیدند و تحت شــدیدترین فشــارهای امنیتی قرار داشتند، متحــد و اســتوار در دفاع از حاکمیت ملی و امنیت کشورشــان اعلام کردند. به بیانیه‌های احزابــی مانند نهضت آزادی، حزب اتحاد ملت، حزب توســعه ملی و... مواضع شــخصیت‌هایی که در نامه‌های امضای جمعی، حمله اســرائیل را محکوم کردند و خواستار تدبیر مجامع بین‌المللی و جامعه مدنی سراسر جهان در راســتای آتش‌بس فوری شدند، نگاه کنید و ببینید که جز عشــق به میهن و شــفقت و اصلاح چیزی می‌بینید؟ این سرمایه را باید قدر دانست.

بیراهه بحران رفت و در ۲۳ خردادماه سال جاری با حمله نظامی اســرائیل به تأسیسات هســته‌ای ایران به فاز دیگری وارد شد. اکنون که از شرایط هیجانی اولیه جنگ فاصله گرفته‌ایم، دیده می‌شود که مجلس شورای اسلامی «قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» را به تصویب رسانده است. جلیلیسم حاکم بر رسانه ملی کمافی‌السابق برقرار بوده و در مواضع خواص و گروه‌های سیاسی هیچ تغییری مشاهده نمی‌شود. لذا از مجموعه اوضاع و احوال چنین قابل استنباط است که این تجربه نه‌تنها در واقع‌گراشدنِ نیروهای سیاسی در ایران بی‌اثر بوده، که حتی بر ثقــل ایدئولوژیک آنان نیز افزوده اســت. به‌نحوی که دوگانه «دیپلماسی ـ میدان» به نفع دوگانه «میدانِ تهاجمی ـ میدانِ تدافعی» کناره گرفته است. درنتیجه مسئله هسته‌ای بار دیگر به سپهر سیاسی ایران بازگشته است؛ لیکن این‌مرتبه وزن سیاســی نیروی غالب ـ نــه در توان اثبات صلح‌آمیــز بودن فعالیت هســته‌ای که ـ مرتبط بــا نقش آن در بازدارندگی خواهد بود. بدیهی است که بازدارندگی رکن اساسی در تأمین امنیت ملی هر دولتی است، لیکن آیا اصرارکنندگان بر تغییر دکترین هســته‌ای ایران تضمینی دارند که الگوی مد نظرشان نه یک واکنش احساسی، که گامی سنجیده در راستای تأمین منافع ملی ایران باشد؟ به نظر می‌رسد تا زمانی که الگوی تصمیم‌گیری براساس موازین مکتب واقع‌گرایی بازتعریف نشود، در این وضعیت تغییری مشاهده نشود. لذا بد نیست مادامی که واقع‌گرایی حداقلی پیشین را هم کنار گذاشته‌ایم، در این زمینه واکنشی نشان ندهیم.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

شناسه آگهی: ۱۹۵۶۳۴۹

برابر تقاضای کتبی متقاضی، تحدید حدود ملک ذیل واقع در بخش ۲۲- ارومیه حوزه ثبتی شهرستان پیرانشهر به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت به عمل خواهد آمد. پلاک ۱۴۴ فرعی ۱۸- اصلی بخش ۲۲- ارومیه شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع به نام آقای محمدخالد مصطفی نژاد فرزند علی به شماره ملی ۲۸۹۹۶۲۵۲۹۲ واقع در شهرستان پیرانشهر روستای امین‌آباد. تاریخ تحدید حدود: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ لذا به اطلاع مالکین و مجاورین املاک فوق می‌رساند که در تاریخ تحدید حدود تعیین شده در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند و کسانی که به حدود یا حقوق ارتفاقی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ تحدید حدود لغایت ۳۰- روز اعتراض خود را در اجرای ماده ۲۰ قانون ثبت به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پیرانشهر تسلیم و رسید دریافت دارند. تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

حبیب الهامی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک پیرانشهر

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شیروان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

شناسه آگهی: ۱۹۵۰۴۹۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر کلاسه ۱۴۰۳۱۱۱۴۰۷۱۱۱۴۰۰۱۹۴ و رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۲۹۵۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیروان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مرضیه رحمانی مقدم الاشلو به شماره شناسنامه ۱۲۱۹ کد ملی ۰۸۲۹۴۱۹۶۱۶ صادره فرزند حسینعلی در شش دانگ باغ بدین صورت که مساحت ۱۰۲۷۴ متر جزء پلاک ۱۲- اصلی ناحیه ۳ از محل مالکیت سیداسماعیل هاشمی و سیدموسی هاشمی (قسمتی از مالکیت وی) واقع در خراسان شمالی بخش ۵ حوزه ثبت ملک شیروان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

محمد زارعی - رئیس ثبت اسناد و املاک

سازمان امور مالیاتی کشور
اداره کل امور مالیاتی استان اصفهان

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
خرید هفت دستگاه دیزل ژنراتور گازوییل سوز با کانوپی

اداره کل امورمالیاتی اســتان اصفهان درنظــر دارد مناقصه عمومی خرید هفت دســتگاه دیزل ژنراتور گازوییل سوز با کانوپی خود را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.

- **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه ازسایت: تا ساعت ۱۹ روز دوشنبه ۱۴۰۴/۰۴/۱۶**
- **مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۹ روز یکشنبه ۱۴۰۴/۰۴/۲۹**
- **زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۸ صبح روز دوشنبه ۱۴۰۴/۰۴/۳۰** (محل برگزاری مناقصه اداره کل امور مالیاتی استان اصفهان می‌باشد)

شناسه آگهی: ۱۹۵۸۶۱۰

تحلیلگران

راهکار عبور از بحران

صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در یادداشتی نوشت: «من همواره منتقد سیاست‌هایی بوده‌ام که توسعه اقتصادی کشور را به خطر انداخته یا آزادی‌ها را محدود کرده است. با این همه معتقدم اگر مسئولان خواهان تعمیق و گسترش حمایت مردمی هستند، ناگزیر باید ظرفیت انتقادپذیری خود را افزایش دهند.» او در ادامه نوشــت: «تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی نیز باید امکان فعالیت مســتقل داشته باشند. تنها در این صورت است که نظام می‌تواند از پشتوانه‌ای بیشتر برخوردار شود؛ پشتوانه‌ای که به مراتب قوی‌تر از هر ابزار دیگر اســت. در نهایت، قدرت و استحکام یک نظام سیاسی از اعتماد و حمایت بخش قابل توجهی از مردمش سرچشمه می‌گیرد و به همین دلیل بازتعریف وحــدت ملی و پذیرش نقد، کلیــد پایداری و موفقیت آینده ایران خواهد بود. در مســئله امنیت داخلی نیز باید ریشــه‌ها را دید. تجربه جنگ ایران و عراق نشــان داد کــه وقتی مردم نظــام را از خــود می‌دانند، حتی در ســخت‌ترین شــرایط حاضر به همکاری با دشمن نمی‌شوند. امروز اما بخشی از آسیب‌ها ناشی از برخی شــکاف‌های شــکل‌گرفته اســت و چاره آن بازسازی اعتمــاد عمومــی و بازگردانــدن حس تعلق از مســیر اصلاحات اســت» این استاد دانشــگاه در پایان آورد: «در نهایت اینکه، عبور از بحران‌ها و دستیابی به امنیت پایدار، تنها از مسیر وحدت ملی، پذیرش نقد و اصلاح می‌گذرد. این مسیر، ایران را در برابر تهدیدات خارجی و آسیب‌های داخلی مقاوم‌تر خواهد کرد.»

آنچه مردم انجام دادند همبستگی مدنی بود

محمدجواد غلامرضاکاشــی، اســتاد علوم سیاسی دانشــگاه علامه طباطبایی در یادداشــتی نوشــت: «آنچه مردم در روزهای آتشــین جنگ از خود نشــان دادند، همبستگی مدنی بود نه همبستگی سیاسی. بیهوده نباید مفاهیم ناسیونالیســتی را بر آن بار کرد. حمایت‌هایی که مــردم به‌طور داوطلبانــه از یکدیگر کردند، استقبال از مهاجرین به شهرها، خدمات‌رسانی صنــوف مختلــف منجمله پزشــکان به مــردم، همه مصادیق همبستگی مدنی بود. این تصور که روح ملی ایرانی بیدار شــده، همه را به خطا می‌اندازد، منجمله سیاســت‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاسی را.» او ادامه داد: «اســرائیل و تلویزیون ایران اینترنشنال که صدا و تصویر اسرائیل است، خیال کردند به محض عملیات غافلگیرکننده ترور فرماندهان نظامی، مردم گروه گروه در خیابان‌ها ظاهر خواهند شد تا نظام را ساقط کنند اما مردم نشان دادند برای تامین مطالبات‌شان از مسیر هیچ فاجعه‌ای عبــور نخواهند کرد. به جای همراهی با متجاوز، آغوش‌شــان را به روی یکدیگر گشــودند و تلاش کردند هر چــه می‌توانند برای کاســتن از آلام یکدیگر انجام دهند. چیزی مشابه با آنچه در حوادث زلزله انجام می‌دادند. آنها نمی‌دانستند نوعی سرمایه معطوف به خلق همبستگی مدنی در فرهنگ و مخیله مردم ایجاد شده که در هنگام حادثه‌ها ظهور می‌کند. این ســرمایه عقلانیتی خلاق میان مــردم به بار آورده اســت؛ اتفاقی که اسرائیل انتظار داشت، رخ نداد اما معلوم نبود از کجا کســانی از راه رسیدند و فوراً آنچه را می‌دیدند همبســتگی ملی خواندند و صداوسیمای جمهوری اســلامی پر شــد از مفاهیم ملی. تا جایی که یک نوحه‌خوان شناخته‌شــده، سرود ملی خواند و مردم همراه او ســینه‌زنی کردند.» کاشــی همچنان نوشت: «همبستگی مردم حاصل یک هیجان صرف در نتیجه بــروز جنگ نبود. حاصل تجربه‌های عمیق طی دهه‌های گذشته بود. مردم به تدریج به این نتیجه رســیده‌اند که در نهایت خودشان پناه‌گاه یکدیگرند. تنها با پنــاه آوردن به یکدیگر می‌تواننــد از زلزله‌های عرصه سیاست مصونیت پیدا کنند. همبستگی مدنی می‌تواند همبستگی سیاسی خلق کند. کدام بازیگر سیاســی است که بتواند عامل و سبب‌ساز این خلق و ابداع باشد؟ نظام مستقر از همه بیشتر این شانس را دارد. به شرطی که به ملزومات آن تن در دهد.»